

فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه (دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، علمی - پژوهشی، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵

بررسی دیدگاه مدرسان زبان انگلیسی و زبان‌آموزان در مورد نقش زمان در آموزش و فرهنگ ایران

الهام ناجی میدانی (دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

elhanaji@gmail.com

رضا پیش‌قدم (استاد آموزش زبان انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسوول)

pishghadam@um.ac.ir

بهزاد فنسولی (استاد زبان انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

ghonsooly@um.ac.ir

آذر حسینی فاطمی (دانشیار آموزش زبان انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

hfatemi@um.ac.ir

چکیده

زمان مفهومی پیچیده است که در هر فرهنگ و جامعه‌ای معنای خاصی به خود گرفته است. نگاه افراد جامعه نسبت به زمان آن قدر اهمیت دارد که برخی دیدگاه مردم جامعه نسبت به زمان را معرف نوع فرهنگ آن جامعه تلقی می‌کنند. در این مقاله برآنیم تا با استفاده از روش کیفی دیدگاه مدرسان و فراگیران زبان انگلیسی در مورد نقش زمان در نظام آموزشی ایران و همچنین در فرهنگ روزمره ایرانی را بسنجیم. بدین منظور با ۸ مدرس زبان انگلیسی و ۱۰ زبان‌آموز مصاحبه صورت گرفت. از تحلیل مصاحبه‌ها چند موضوع استخراج شد که عبارتند از: رویکرد منفعلانه نسبت به زمان در فرهنگ روزمره، عدم توجه کافی به زمان در نظام آموزشی ایران، درصد بالای هدر رفتن زمان در کلاس‌های زبان، حق تأخیر بر اساس نوع رابطه اجتماعی، زندگی در زمان آینده و عدم تأثیرپذیری از فرهنگ انگلیسی در وقت شناسی. در پایان، راهکارهایی برای توجه بیشتر به نقش زمان در سطح آموزشی و فرهنگی ارائه شد.

کلیدواژه‌ها: دیدگاه، زمان، نظام آموزشی، فرهنگ، مصاحبه.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۲۶

۱. مقدمه

در عصر شتاب و ارتباطات امروز، زمان نقش مهمی در تمامی ابعاد زندگی ایفا می‌کند. پدیده جهانی شدن که نزدیکی روابط میان انسان‌ها را به وجود آورده است موجب افزایش اهمیت زمان شده است. به گفته لوین^۱ (۱۹۹۷) نظام ارزشی یک فرهنگ در هنجارها و باورهایش نسبت به زمان تبلور می‌یابد و بدین ترتیب زمان سازه‌ای اجتماعی محسوب می‌شود. به‌طور کلی، در فرهنگ غربی نگاه به زمان خطی است و بسیار ارزشمند تلقی می‌شود به‌طوری‌که به هیچ وجه نباید هدر رود. در مقابل، در فرهنگ شرقی، نگاه به زمان به‌صورت غیرخطی است و چگونگی گذراندن آن منوط به ارزش‌های گروهی، اجتماعی و فرهنگی وقایع و موقعیت‌هاست (مک‌گرات و تسچان^۲، ۲۰۰۴). تفاوت‌های فرهنگی در درک زمان و وقت‌شناسی آن‌قدر مهم است که بعد از تفاوت‌های زبانی به‌عنوان مهم‌ترین عامل سوء تفاهم‌های میان فرهنگی محسوب می‌شود (بریزلن و کیم^۳، ۲۰۰۳). مدرسان زبان انگلیسی و زبان‌آموزان با فرهنگ انگلیسی‌زبانان سر و کار دارند و بدین ترتیب با استفاده از اصطلاح بوردیو^۴ (۱۹۸۴) در حوزه‌ای^۵ قرار دارند که فرهنگ وقت‌شناسی و ارزشمند دانستن زمان می‌تواند برای آن‌ها تبدیل به عادت‌واره^۶ (بوردیو، ۱۹۸۴) شود. بنابراین، فرض بر این است که این دو گروه به‌دلیل آشنایی بیشتر با فرهنگ انگلیسی‌زبانان نسبت به سایر اقشار جامعه، نگاه متفاوتی نسبت به زمان و همچنین دیدگاه منتقدانه‌تری نسبت به مدیریت آن در جامعه دارند. در این پژوهش برآنیم با استفاده از روش کیفی دیدگاه مدرسان و فراگیران زبان انگلیسی در رابطه با میزان توجه به زمان در نظام آموزشی و فرهنگ روزمره ایران را بررسی کنیم. جهت بررسی موضوع، در ابتدا به مفاهیمی چون فرهنگ و انواع آن، ارتباط آن‌ها با نحوه نگاه به زمان و همچنین مفاهیم مربوط به زمان که در حوزه آموزش نقش دارند، می‌پردازیم.

-
1. Levine
 2. McGrath & Tschan
 3. Brislin & Kim
 4. Bourdieu
 5. Field
 6. Habitus

۲. پیشینه تحقیق

در طی دهه‌های اخیر تعاریف متعددی از «فرهنگ» ارائه شده است و هرکدام بر جنبه خاصی از ویژگی‌هایی که یک گروه را نسبت به دیگران متمایز می‌کند، تأکید کرده‌اند. از نقطه نظر علم انسان‌شناسی، فرهنگ شیوه زندگی مردم است (چستین^۷، ۱۹۸۸) و در واقع عادات و آداب و رسوم روزمره مردم یک سرزمین را نشان می‌دهد. در مورد اینکه چه جنبه‌هایی از زندگی جزء فرهنگ روزمره محسوب می‌شود، نقطه‌نظرهای متفاوتی وجود دارد. جامع‌ترین طبقه‌بندی‌ها برای جنبه‌های فرهنگ روزمره توسط داگلس^۸ (۱۹۷۳) ارائه شده که در آن نگاه مردم نسبت به زمان و چگونگی مدیریت آن مدنظر قرار گرفته است. یکی از طبقه‌بندی‌های فرهنگی که مورد توجه خاص روان‌شناسان بین فرهنگی قرار گرفته است، فردگرایی-جمع‌گرایی (هافستید^۹، ۱۹۸۰) است، به طوری که اکثر تحقیقات این علم حول محور این دو سازه فرهنگی دور می‌زند. فردگرایی مربوط به جوامعی است که روابط میان افراد چندان نزدیک و صمیمی نیست و هر فرد می‌بایست مراقب خود و نزدیکانش باشد. در واقع، افراد از هم مستقل‌اند و فرد در وهله اول قرار می‌گیرد و اجتماع در وهله دوم. جمع‌گرایی متضاد فردگرایی است و به جوامعی اشاره دارد که در آن افراد از بدو تولد متعلق به گروه‌هایی هستند که شامل خانواده، طایفه، قوم، گروه‌های مذهبی و ... می‌شود. این افراد در برابر حمایت گروه‌ها متعهد به انجام وظایفی می‌شوند. به عبارتی دیگر، خصوصیت اصلی جوامع جمع‌گرا همین تعهدات و انتظارات متقابل بر اساس موقعیت اجتماعی افراد است. طبق اطلاعات موجود در وب سایت رسمی هافستید، ایران با نمره ۴۱ که شوری جمع‌گراست. البته برخی از تحقیقات صورت گرفته حاکی از آن است که جامعه ایرانی به سمت فردگرایی در حرکت است (جاویدان و دستمالجیان، ۲۰۰۳؛ علی و امیرشاهی، ۲۰۰۲). البته به طبقه بندی فوق دو شاخه دیگر تحت عنوان عمودی^{۱۰} و افقی^{۱۱} توسط فردی به نام تریاندیس^{۱۲} (۱۹۹۸) اضافه شده است که بدین

7. Chastain

8. Douglas

9. Hofstede

10. Vertical

11. Horizontal

12. Triandis

ترتیب چهار گروه فرهنگی به وجود آمده است: جمع‌گرایی عمودی^۱، جمع‌گرایی افقی^۲، فردگرایی عمودی^۳ و فردگرایی افقی^۴. بُعد عمودی-افقی به این اشاره دارد که انسان‌ها خود را را چگونه توصیف می‌کنند: متفاوت با دیگران یا مانند دیگران؟ بنابراین، فرهنگ‌های فردگرای عمودی بر استقلال در اعمال و نیاز به متمایز نمودن خود از دیگران تأکید دارند در حالی که فرهنگ‌های فردگرای افقی استقلال در اعمال و تساوی با دیگران را مدنظر دارند. در فرهنگ‌های جمع‌گرای عمودی استقلال عمل وجود دارد و افراد خود را متمایز از یکدیگر می‌دانند، حال آنکه در فرهنگ‌های جمع‌گرای افقی، وابستگی میان اعمال برقرار است و افراد خود را برابر با هم می‌دانند (تریاندریس، ۱۹۹۸). جدول زیر ارتباط میان این چهار گروه فرهنگی و نوع نگاه آن‌ها به زمان را نشان می‌دهد:

جدول ۱. رابطه میان فردگرایی/جمع‌گرایی و نگاه به زمان (برگرفته از بیلینگ و دیگران^۵، ۲۰۰۴)

جمع‌گرایی	فردگرایی	
- تأکید بر روابط - تأکید بر به دست آوردن موقعیت اجتماعی برتر - توجه به زمان	- تأکید بر خود و جدا کردن خود از دیگران - تأکید بر به انجام رساندن کارها - توجه به زمان و برنامه‌ریزی	عمودی
- تأکید بر روابط اما عدم توجه به اهداف شخصی - تأکید بر اهداف جمعی - عدم توجه به زمان	- عدم تأکید بر به موفقیت انجام رساندن کارها - عدم توجه کافی به زمان و برنامه‌ریزی ضعیف	افقی

یکی از عواملی که ارتباط مستقیمی با فرهنگ دارد «قدرت» است (فرکلاف^۶، ۱۹۸۹). به گفته نیتو^۷ (۲۰۰۹)، منشأ تفاوت‌هایی که اغلب به فرهنگ نسبت داده می‌شود روابط قدرت است.

1. Vertical collectivism
2. Horizontal collectivism
3. Vertical individualism
4. Horizontal individualism
5. Billing et al.
6. Fairclough
7. Nieto

است. یکی از مقوله‌هایی که ارتباط تنگاتنگی با روابط قدرت دارد، «ادب» است. شاید بتوان گفت یکی از رایج‌ترین نظریه‌های نظام ادب توسط اسکالن و اسکالن^۱ (۲۰۰۱) ارائه شده است. بر اساس این طبقه‌بندی، سه نظام ادب وجود دارد که عبارتند از: احترام^۲، همبستگی^۳ و سلسله‌مراتب^۴. در نظام احترام، گوینده و مخاطب در یک تراز قرار دارند، اما فاصله‌ای بین آن‌ها برقرار است و باید به یکدیگر احترام بگذارند؛ به‌عنوان مثال، رابطه میان اساتید یک دانشگاه. در نظام همبستگی، گوینده و مخاطب نیز در یک ترازند، اما فاصله‌ای میان آن‌ها برقرار نیست، مانند رابطه میان دو همسر یا دو دوست. در نظام سلسله‌مراتب، میان گوینده و مخاطب رابطه‌ای ناهم‌تراز وجود دارد و یکی در رتبه‌ای بالاتر از دیگری قرار دارد، برای نمونه رابطه بین کارگر و کارفرما، یا استاد و دانشجو. نظام فرهنگی ایران به‌طور کلی از نوع سلسله‌مراتبی است (اسلامی‌راسخ، توکلی و عبدالرضاپور، ۲۰۱۰).

در رابطه با وقت‌شناسی در موقعیت‌های اجتماعی متفاوت، مطالعه‌ای میان‌فرهنگی توسط وایت، والک و دیالمی^۵ (۲۰۱۱) صورت گرفت. در این مطالعه معنای وقت‌شناسی از دیدگاه دانشجویان در سه کشور استونی، مراکش و ایالات متحده آمریکا در رویارویی با افراد با موقعیت‌های اجتماعی متفاوت با هم مقایسه شد. شرکت‌کنندگان می‌بایست سناریوهایی در مورد سه قرار ملاقات در موقعیت‌های اجتماعی متفاوت (احترام، همبستگی و سلسله‌مراتب) مطالعه می‌کردند و زمانی که از نظر آن‌ها برای حضور در موعد دیر یا زود محسوب می‌شد را مشخص می‌نمودند. نتایج نشان داد که شرکت‌کنندگان هر سه کشور در قرار با افراد با تراز اجتماعی بالاتر، سخت‌گیر بودند و همان زمان قرار را مناسب حضور می‌دانستند.

از طرفی، فرهنگ‌های مختلف چهارچوب‌های زمانی^۶ متفاوتی دارند (وایت، والک و دیالمی، ۲۰۱۱). چهارچوب زمانی به مدت زمانی گفته می‌شود که واقعه‌ای در طی آن اتفاق می‌افتد یا برنامه‌ریزی می‌شود. برای مثال، در فرهنگ انگلیسی‌زبانان زمان به‌مثابه ثروت است و

1. Scollon&Scollon
2. Deference
3. Solidarity
4. Hierarchy
5. White, Valk, & Dialmy
6. Time frames

وقت‌شناسی ارزش بسیار بالایی دارد (وایت، والک و دیالمی، ۲۰۱۱). در فرهنگ اسپانیایی، همیشه کار امروز به فردا موکول می‌شود و به تعویق انداختن کارها امری بسیار عادی است (اپستین^۱، ۱۹۷۷). در کشور اندونزی، زمان مانند کشتی فرض می‌شود که قابلیت انعطاف دارد و در واقع رویکرد راحت‌طلبانه مردم آن کشور را نسبت به قرارها و ضرب‌الاجل‌ها نشان می‌دهد (آلوز^۲، ۱۹۹۷). در فرهنگ سرخپوستان، جلسات معمولاً بیش از یک ساعت دیرتر از زمان تعیین‌شده آغاز می‌شوند (هاپکینز^۳، ۲۰۰۶). در فرهنگ کشور مراکش، هیچ نیازی به رعایت زمان در تمام اوقات نیست. این نگرش در دو ضرب‌المثل معروف مراکشی به خوبی منعکس می‌گردد که عبارتند از: «امروز مانند فرداست» و «هیچ نیازی به عجله در کارهای خوب نیست» (وایت، والک و دیالمی، ۲۰۱۱، ص. ۴۸۳). به عقیده لوین (۱۹۹۷) اکثر آمریکایی‌ها وقت‌شناسی را در واحدهای ۵ دقیقه‌ای ارزیابی می‌کنند اما اکثر اعراب آن را در واحدهای ۱۵ دقیقه‌ای ارزیابی می‌کنند. آمریکایی‌ها برای مثال می‌گویند: فلانی ۵ یا ۱۰ دقیقه دیر کرده، در حالی که اعراب می‌گویند یک ربع یا نیم‌ساعت دیر کرده است.

مفهوم دیگری که مرتبط با چهارچوب زمانی است، «زمان درک شده»^۴ است. این مفهوم در برابر «زمان ساعتی»^۵ قرار می‌گیرد. زمان ساعتی همان زمانی است که توسط عقربه‌های ساعت نشان داده می‌شود. زمان درک شده نوعی اندازه‌گیری شخصی از زمان است که متأثر از عوامل ایدئولوژیکی است. زمان درک شده در واقع سازه‌ای فردی است که توسط اجتماع و عوامل شخصی به دست می‌آید (نک. کاراسکو و دومینگز^۶، ۲۰۱۴). به عنوان مثال، اگر خانم و آقای هر دو در زمان ساعتی برابری کار در منزل انجام دهند، زمان درک شده آقای بیشتر از خانم خواهد بود، چراکه آقایان به دلیل عوامل اجتماعی خود را موظف به انجام کارهای منزل نمی‌دانند و زمان سپری‌شده را دست بالا می‌گیرند (گرینستاین^۷، ۱۹۹۶).

-
1. Epstein
 2. Alves
 3. Hopkins
 4. Perceived time
 5. Clock time
 6. Carrasco & Dominguez
 7. Greenstein

در طی دهه‌های اخیر، مطالعات علمی متعددی در مورد تفاوت‌های میان‌فردی مربوط به زمان انجام شده است. اکثر این مطالعات در زمینه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و مدیریت صورت گرفته است (فرانسیس-اسمیت و رابرتسون^۱، ۱۹۹۹). این امر موجب پیدایش سازه‌های مختلفی در رابطه با مدیریت زمان شده که یکی از مهم‌ترین آن‌ها «هوش زمانی^۲» (کلمنز و دارلیرمپل^۳، ۲۰۰۵) است. هوش زمانی به شناخت و رفتار یک مدیر نسبت به زمان در رابطه با خود و زیردستانش اشاره دارد (دیل و فرانسیس-اسمیت^۴، ۲۰۰۹). البته به عقیده نگارندگان این مقاله هوش زمانی را می‌توان به حوزه آموزش نیز تعمیم داد و آن را برای مدرسان تعریف کرد.

در حوزه آموزش زبان، یکی از مقوله‌هایی که ارتباط بالایی با مفهوم زمان دارد، «کرونوتوپ^۵» (باختین^۶، ۱۹۸۱) است. کرونوتوپ به «روابط مکانی-زمانی در یک متن» (باختین، ۱۹۸۱، ص. ۱۵) اشاره می‌کند. این مفهوم در سال‌های اخیر در شاخه‌های مختلفی از آموزش زبان، همچون تحلیل ژانر (چرایر^۷، ۲۰۰۲؛ بمونگ^۸، ۲۰۰۶؛ پیدرسون^۹، ۲۰۰۹) انگلیسی برای مقاصد خاص^{۱۰} (چرایر، ۱۹۹۹؛ کراسلی^{۱۱}، ۲۰۰۷) و همچنین در تحلیل مکالمه‌های انجام شده در کلاس (براون و رنشا^{۱۲}، ۲۰۰۶) بررسی شده است. در حوزه انگلیسی برای مقاصد خاص، به‌عنوان مثال، کرونوتوپ می‌تواند ابزاری برای زبان‌آموزان باشد تا به کمک آن قوانین دستوری مربوط به مکان و زمان در زبان مقصد را بیاموزند. در این مورد تحقیقی توسط پیش‌قدم و صبوری (۲۰۱۱الف) صورت گرفت که در آن کرونوتوپ نامه‌های نوشته‌شده به

1. Francis-Smythe & Robertson
2. Temporal intelligence
3. Clemens & Darlyrmpel
4. Doyle & Francis-Smythe
5. Chronotope
6. Bakhtin
7. Schryer
8. Bemong
9. Pederson
10. English for Specific Purposes
11. Crossley
12. Brown & Renshaw

سردبیر مجلات علمی در انگلیسی و فارسی با هم مقایسه شد. کرونوتوپ ابزار خوبی برای مقایسه ژانرها در زبانهای مختلف می باشد.

۳. روش تحقیق

در پژوهش حاضر نتایج به دست آمده از مصاحبه با دو گروه مدرسان زبان انگلیسی و زبان آموزان مورد تحلیل قرار گرفت. تعداد شرکت کنندگان از پیش تعیین نشده بود و از روش اشباع داده^۱ استفاده شد. بدین ترتیب، ۸ مدرس و ۱۰ زبان آموز در تحقیق شرکت نمودند. مدرسان همگی در مؤسسات آموزشی زبان انگلیسی در سطح شهر مشهد مشغول به تدریس بودند. از میان ۸ مدرس، ۵ نفر زن و ۳ نفر مرد بودند و بین ۲۰ تا ۳۷ سال سن داشتند (میانگین=۲۹). نحوه توزیع مدرک و رشته تحصیلی مدرسان بدین قرار بود: ۳ نفر کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی، ۳ نفر کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی و ۲ نفر دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی. زبان آموزان همگی در مؤسسات زبان انگلیسی مشغول یادگیری بودند. از میان زبان آموزان، ۶ نفر را خانمها و ۴ نفر را آقایان تشکیل دادند. سن آنها بین ۱۹ تا ۳۹ بوده و میانگین کل سن آنها ۲۶ بود. سطح بسندگی زبان آموزان با توجه به سطح کلاسی که در آن ثبت نام کرده بودند، ۲ نفر مبتدی، ۵ نفر متوسط و ۳ نفر پیشرفته بودند.

در این پژوهش روش کیفی مصاحبه نیمه ساختاریافته^۲ به کار رفته است. در این نوع مصاحبه، سؤالات از قبل طراحی شده و هدف آن کسب اطلاعات عمیق از مصاحبه شونده می باشد. در این نوع مصاحبه هر پاسخ با سؤالات تکمیلی، مورد بررسی بیشتر قرار می گیرد و از پاسخگویان با سؤالات «چرا» و «چگونه» خواسته می شود توضیح بیشتری در مورد پاسخهای خود بدهند (درنئی^۳، ۲۰۰۷). در این پژوهش با توجه به اهدافی که از پیش تعیین شده بود، سؤالات صریحی طرح شد. برای پیدا کردن رابطه میان موقعیت شناسی و وقت شناسی از سناریوهایی که در تحقیق وایت، والک و دیالمی (۲۰۱۱) استفاده شده بود، الهام گرفته شد که شرکت کنندگان سه سناریو در مورد سه قرار در موقعیت های اجتماعی متفاوت (احترام،

1. Data saturation
2. Semi-structured
3. Dornyei

همبستگی و سلسله‌مراتب) را از نظر این که هر فرد چه زمانی به موعد برسد دیر محسوب می‌شود، ارزیابی می‌کردند. سؤالات به‌کار رفته در مصاحبه در قسمت پیوست آمده است.

۴. نتایج

پس از تحلیل مصاحبه‌ها، موضوعات کلیدی و فرعی مربوط به هر یک استخراج شد. به‌طور کلی، ۶ موضوع کلیدی استخراج شد که هر یک جنبه‌ای از نگاه مشارکت‌کنندگان نسبت به زمان را نشان می‌دادند (جدول ۲).

جدول ۲. موضوعات اصلی و فرعی مستخرج از مصاحبه‌ها

موضوع اصلی	موضوع فرعی
رویکرد منفعلانه نسبت به زمان در فرهنگ روزمره ایران	- عادی بودن تأخیرها - زنجیروار بودن تأخیرها - موکول کردن کارها به آخرین لحظات
عدم توجه کافی به زمان در نظام آموزشی ایران	- یکسان بودن شرایط برای تمامی مقاطع - رعایت زمان در صورت وجود اجبار و نظارت - وجود ریشه فرهنگی
درصد بالای هدر رفتن زمان در کلاس‌های زبان	- تصحیح بیش از اندازه خطاها - اظهارنظرهای بسیار زیاد زبان‌آموزان
حق تأخیر بر اساس نوع رابطه اجتماعی	- مجاز دانستن تأخیر برای افراد با رتبه اجتماعی بالاتر - مجاز دانستن تأخیر برای افراد نزدیک
زندگی در زمان آینده	- نگرانی نسبت به آینده - مغتتم‌نشمردن حال
عدم تأثیرپذیری از فرهنگ انگلیسی در وقت‌شناسی	- آگاهی نسبت به اهمیت وقت‌شناسی در فرهنگ انگلیسی - عدم تأثیرپذیری به دلیل شرایط بیرونی

۴. ۱. رویکرد منفعلانه نسبت به زمان در فرهنگ روزمره ایران

در پاسخ به سؤال «به‌نظر شما چقدر در فرهنگ روزمره ما به زمان اهمیت داده می‌شود؟» مصاحبه‌شوندگان همگی بر این عقیده بودند که به زمان در فرهنگ روزمره ما اهمیت داده نمی‌شود و «به‌طور کلی مدیریت زمان در فرهنگ ایران ضعیفه». آن‌ها باور داشتند که «حتی برای

وقت خودمون هم ارزش قائل نیستیم چه برسد به وقت دیگران» و با تمام شعارهایی که در مورد ارزشمند بودن وقت می‌دهیم به آن‌ها عمل نمی‌کنیم:

«با وجودی که می‌گیم وقت طلاست اما هیچ وقت بهش عمل نمی‌کنیم. ما جوری هستیم که باید زودتر بگیم تا همه اون وقتی که می‌خواهیم بر سن. حتی برای یک مهمونی ساده. ساعت پنج شروع می‌شه الکی می‌گیم چهار و نیم که همه پنج بیان».

از نظر شرکت‌کنندگان «دیر کردن در حد یک ربع بیست دقیقه» در فرهنگ ما کاملاً عادی تلقی می‌شود و «همیشه برای دیر کردن و تأخیرامون بهانه داریم. ترافیک بود، کاری برام پیش اومد و... بعد با یک عذرخواهی تمومش می‌کنیم.» حتی متأسفانه دیر کردن را نوعی «پرستیژ» و «با کلاس» می‌دانیم.

همچنین به گفته شرکت‌کنندگان عادت داریم کارهایمان را همیشه به دقیقه ۹۰ موکول می‌کنیم. بنابراین «پرتی و قتمون زیاده و بازدهیمون کم.» یکی از مدرسان این موضوع را این گونه بیان کرد:

«ما زمان را کنترل نمی‌کنیم، زمان ما رو کنترل می‌کنه. یعنی به جایی که زمان را در دست بگیریم، نسبت بهش منفعل هستیم.»

نکته جالب در این است که شرکت‌کنندگان رابطه‌ای میان میزان تحصیلات و وقت‌شناس بودن در جامعه نمی‌دیدند:

«در جامعه میزان اهمیت به زمان خیلی کمه. خیلی هم به مشاغل و سطح تحصیلات ربطی نداره. البته این دو عامل بی‌تأثیر نیستند ولی در کل این طور نیست که بتونیم بگیم فردی که تحصیل کرده‌تره به زمان بیشتر اهمیت میده و وقت‌شناس‌تره.»

طبیعی است در جامعه‌ای که تأخیر امری عادی محسوب می‌شود، دیرکردها فراگیر می‌شود و به‌صورت پیوسته تمام ابعاد زندگی را دربر می‌گیرد:

«اهمیت به زمان خیلی ضعیفه. وقت دکتر می‌گیری به‌موقع نمی‌ری تو. حداقل دو ساعت دو ساعت و نیم معطل میشی. با آرایشگاه قرار می‌گذاری امکان نداره کارت به‌موقع انجام بشه. البته شاید اون آرایشگره هم تقصیری نداره چون مشتری قبلیش هم نیم ساعت دیر اومده. همه اینا مثل حلقه‌های زنجیر کنار هم باعث میشه آدم همیشه دیرکرد داشته باشه.»

۴. ۲. عدم توجه کافی به زمان در نظام آموزشی ایران

این موضوع از پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان به سؤال «به نظر شما در نظام آموزشی ما چقدر به زمان اهمیت داده می‌شود؟ چرا؟» گرفته شد. شرکت‌کنندگان همگی بر این باور بودند که در جامعه آموزشی ما زمان اهمیت لازم را ندارد. به عقیده آن‌ها ریشه عدم توجه به زمان در سطح آموزشی نیز همان رویکرد منفعلانه نسبت به زمان در فرهنگ روزمره است. از نظر آن‌ها وضعیت در مقاطع مختلف تفاوتی ندارد و به قول یکی از زبان‌آموزان «دبستان تا دانشگاه همش یکیه». در مقطع دانشگاه، مشارکت‌کنندگان از قائل نشدن ارزش برای وقت دانشجویان ابراز نارضایتی می‌کردند و از این که «با استاد قرار می‌ذاری میری می‌بینی نیومدن». همچنین نبودن برنامه تعریف شده‌ای برای تدریس را عاملی منفی در مدیریت زمان امور آموزشی می‌دانستند.

«در جامعه آموزشی ما اصول خاصی برای مدیریت زمان نداریم. مثلاً هر استادی خودش تصمیم می‌گیره در طول یک ترم چه مطالبی رو تدریس کنه.»

مشارکت‌کنندگان علت وقت‌نشناسی در آموزش را وابسته به عوامل فرهنگی می‌دانستند و بدین باور بودند که «چون در فرهنگ ما مدیریت زمان جا نیفتاده، جامعه آموزشی هم تحت تأثیر قرار گرفته». یکی از مشارکت‌کنندگان در این مورد اظهار داشت:

«مثلاً ما از نظر فرهنگی فکر می‌کنیم اگر دیر بریم مهمونی خیلی باکلاسه. به خاطر همین معلممون همیشه دیر میرن سر کلاس. چون فکر می‌کنن اگر زودتر از شاگردها برن سر کلاس صورت خوبی نداره. حتی اگر در دفتر آماده هم باشند طوری میرن سر کلاس که بعد از شاگردا باشه.»

البته این امر در مورد سخنرانی‌ها و همایش‌ها نیز صدق می‌کند: «اگر سخنرانی به همایش دعوت بشه باید حتماً دیر بکنه و این پرستیژ کارش رو نشون میده.»

از طرفی دیگر، مصاحبه‌شوندگان بر این عقیده بودند که «فقط وقت‌هایی که اجبار وجود داشته باشه زمان درست رعایت میشه». یکی از زبان‌آموزان در این مورد گفت:

«البته اساتید سر کلاس معمولاً سر موقع میان و به موقع کلاس رو تموم می‌کنن. دلیلش هم اینه که بر رفت و آمد اساتید به کلاس نظارت میشه. کلاً ما ایرانی‌ها باید رو کارمون نظارت

باشه تا درست انجام بدیمشون. در واقع نظارتی که هست باعث میشه زمان کلاس براشون مهم باشه.»

۴.۳. درصد بالای هدر رفتن زمان در کلاس‌های زبان

از نظر مدرسان و زبان‌آموزان در کلاس‌های زبان درصد هدر رفتن وقت بالاست. از صحبت‌های آن‌ها دو دلیل اصلی برای اتلاف وقت به دست آمد: تصحیح خطاها^۱ و اظهارنظرهای زبان‌آموزان.

از آنجایی که خطا کردن مرحله‌ای ضروری و طبیعی در روند یادگیری زبان تلقی می‌شود، تصحیح خطاها یکی از رایج‌ترین انواع بازخورد در کلاس‌های زبان می‌باشد (هندریکسون^۲، ۱۹۷۸). هر دو گروه بر این باور بودند که تصحیح خطاها مقوله‌ای زمان‌بر است و گاهی اوقات وقت کلاس را بیش از اندازه می‌گیرد. یکی از زبان‌آموزان در این مورد اظهار داشت:

«به نظر من لازم نیست مدرس تمام غلط‌ها رو تصحیح و کنترل کنه. اینطوری هم وقت زیادی صرف این کار میشه و هم گاهی اوقات کلاس از روند اصلیش خارج میشه.»
مدرسان نیز از سعی خود برای اختصاص ندادن بیش از حد زمان به تصحیح خطاها می‌گفتند. یکی از مدرسان در این مورد اظهار کرد:

«یکی از مقوله‌هایی که از نظر زمانی حساسه همین تصحیح اشتباهای زبان‌آموزاست. من خودم برای اینکه در روند کلاس تداخل ایجاد نکنه اشتباهات رو یادداشت می‌کنم و آخر کلاس زمان خاصی رو بهشون اختصاص میدم.»

موضوع اظهارنظرهای زبان‌آموزان بیشتر توسط زبان‌آموزان مطرح شد تا مدرسان. در واقع زبان‌آموزان از زمان بسیاری که در کلاس برای بحث و گفتگوهای سپری می‌شد که جنبه یادگیری نداشت، ابراز نارضایتی می‌نمودند: «به نظر من وقت زیادی در کلاس به خاطر اظهارنظر زبان‌آموزان در مورد موضوعی که کار میشه میگذره. یعنی وقت مفید کلاس کمه.» و «گاهی اوقات بحث از موضوع اصلی خارج میشه و زبان‌آموزایی که حرافند بحث رو کنترل می‌کنند و

1. Error correction

2. Hendrickson

کلاس هم خسته‌کننده می‌شه و هم بازدهیش کم می‌شه.» مدرسان نیز اظهار داشتند که مدیریت صحیح کلاس در مواقع بحث و گفتگو بسیار مهم است و باید زمان را در نظر داشت: «موقع بحث و گفتگو در کلاس باید حواسمون باشه که زبان‌آموزان زیاد بحث رو به حواشی نکشونن. این طوری کنترل کلاس از دستمون خارج می‌شه و خب وقت تلف می‌شه.» وجود زبان‌آموزان پرحرف یا در اصلاح روان شناسی «برون‌گرا» یکی از دلایل اتلاف وقت در هنگام بحث و گفتگو در کلاس بود:

«بعضی از زبان‌آموزان پرحرفند و اگر بهشون اجازه بدیم تمام وقت کلاسو میگیرن.» در سؤالات تکمیلی از مدرسان پرسیده شد که آیا برای جلوگیری از اتلاف وقت برنامه‌ریزی پیش از کلاس انجام می‌دهند یا خیر. اکثر آن‌ها اذعان داشتند که معمولاً با برنامه‌ای در ذهن خود وارد کلاس می‌شوند اما کمتر آن را روی کاغذ پیاده می‌کنند. یکی از مدرسان در این مورد این‌گونه بیان کرد:

«من خودم هیچ وقت طرح درس از قبل تهیه نمی‌کنم. چون روند کلاس و نیازها و انگیزه‌های زبان‌آموزان برام مهمه. زمان برام تعیین‌کننده نیست بلکه استقبال زبان‌آموزان از فعالیت یا مبحثی که دارم کار می‌کنم برام اهمیت داره.» در واقع، از نظر این شرکت‌کننده زمان ساعتی در کلاس اهمیت ندارد بلکه آنچه مهم است زمان درک‌شده توسط زبان‌آموزان است.

۴.۴. حق تأخیر بر اساس نوع رابطه اجتماعی

«استادی با دانشجویی در دفترش ساعت ۱۰ صبح قرار ملاقات دارد. به نظر شما: دانشجو چه زمانی برسد، دیر محسوب می‌شود؟ استاد چه زمانی به دفترش برسد، دیر محسوب می‌شود؟»

شرکت‌کنندگان برای این موقعیت که در آن بر اساس نظریه اسکالن و اسکالن (۲۰۰۱) ارتباط از نوع سلسله‌مراتبی است، اظهار داشتند که استاد از یک ربع تا چهل و پنج دقیقه می‌تواند دیر کند به دلیل آنکه دارای موقعیت اجتماعی بالایی است، اما دانشجو حق دیر کردن ندارد. «استاد هر وقت بیاد عیب نداره چون استاده. اما دانشجو باید سر موقع بیاد.» یا «دانشجو دهش ده و یک دقیقه بشه دیر محسوب می‌شه. چون دانشجویه.» آن‌ها همچنین مجاز بودن

تأخیر استاد را مربوط به مشغله کاری بیشتر وی می دانستند: «فردی که موقعیت اجتماعی بالاتری دارد، چون سرش شلوغ تره طبیعی که دیرتر بیاد.» بنابراین، مصاحبه شونده‌گان واحد زمانی وقت شناسی را برای ۱۵ دقیقه حساب می کردند (یک ربع، نیم ساعت، چهل و پنج دقیقه)، در حالی که دانشجو را مجاز به تأخیر نمی دانستند.

«دو همکار با هم قرار ملاقات دارند. به نظر شما هر کدام تا چند دقیقه دیر برسند، دیر محسوب می شود؟»

در این موقعیت نوع رابطه از نوع احترام می باشد (اسکالن و اسکالن، ۲۰۰۱). در واقع دو طرف در یک تراز اجتماعی قرار دارند اما از آنجا که فاصله‌ای میان آن‌ها برقرار است، باید به هم احترام بگذارند. مصاحبه شونده‌گان حداکثر تأخیر مجاز را ۵ تا ۱۰ دقیقه می دانستند. بنابراین، واحد زمانی وقت شناسی را برای دو همکار ۵ دقیقه تلقی می کردند.

«دوست نزدیکتان را به نهار دعوت کرده‌اید. قرارتان ساعت ۱ بعدازظهر است. به نظر شما دوستان چه زمانی برسد، دیر محسوب می شود؟»

رابطه حکم فرما در این موقعیت همبستگی است و نزدیک‌ترین نوع رابطه محسوب می شود (اسکالن و اسکالن، ۲۰۰۱). در مورد این سؤال، پاسخ‌دهندگان واحد زمانی ۱۵ دقیقه را در نظر گرفتند و مانند حق تأخیری که برای فرد با تراز بالاتر در رابطه سلسله‌مراتبی قائل بودند، دوست نزدیکشان را هم مجاز به تأخیر تا نیم ساعت می دانستند.

بدین ترتیب می توان نتیجه گرفت که نوع رابطه اجتماعی در قائل شدن حق تأخیر برای دیگران بسیار تأثیر گذار است. طبق یافته‌ها قائل شدن حق تأخیر در دو نوع رابطه سلسله‌مراتبی و همبستگی دیده می شود. البته واحد زمانی برای تأخیر در رابطه سلسله‌مراتبی بالاتر از همبستگی است.

۴. ۵. زندگی در زمان آینده

شرکت کنندگان در پاسخ به سؤال «بیشتر در گذشته، حال یا آینده زندگی می کنید؟» آینده را پر رنگ‌تر از زمان‌های دیگر می دانستند.

«من بیشتر به آینده فکر می کنم. حتی گاهی اوقات خیال‌پردازی می کنم. اما این که بگم در حال زندگی می کنم این دروغه. همش خودم را در آینده مجسم می کنم.»

درحالی که آن‌ها بر روی آینده تمرکز داشتند، کمتر در مورد گذشته فکر می‌کردند و زندگی کردن در زمان حال را دشوار می‌پنداشتند:

«خیلی به آینده فکر می‌کنم. به گذشته هم فکر می‌کنم ولی کمتر. البته ای کاش نمی‌گم. افسوس هم نمی‌خورم اعتقاد دارم باید درحال زندگی کرد ولی سخته.»
 برخی بر این باور بودند که «گذشته‌ها گذشته» و افسوس خوردن آن بی‌فایده است: «از گذشته هم پشیمون نیستم. بدترین اتفاقات هم برام بیفته به دید تجربه بهش نگاه می‌کنم. در اون زمان با اون عقل فلان کارو انجام دادم. ...» اما برخی نیز از گذشته خود ابراز پشیمانی می‌کردند.

مصاحبه‌شوندگان اهمیت دادن به آینده را نتیجه شرایط «متغیر» و «غیرقابل پیش‌بینی» جامعه می‌دانستند که موجب استرس و نگرانی برای آن‌ها می‌شد: «کشور ما طوریه که همیشه باید آینده را در نظر بگیریم، فکر کردن به آینده منو می‌ترسونه.» یا «بعضی وقتا نگرانی از آینده اذیتم میکنه. از اینکه چی می‌خواد پیش بیاد نگرانم.»

شاید یکی از دلایل تمرکز شرکت‌کنندگان روی آینده این باشد که همگی در سنین جوانی قرار داشتند و طبیعی است که آینده همیشه برای جوانان مهم بوده و هست. اما فکر کردن در آینده نباید به‌صورتی باشد که حال را از دست بدهیم و قدر آن را ندانیم. آن چه در شرکت‌کنندگان محسوس بود بیشتر نگرانی و فکر کردن در مورد آینده بود و نه زندگی کردن در حال و استفاده از آن برای تلاش و برنامه‌ریزی آینده؛ چراکه وقتی در سؤالات تکمیلی از آن‌ها پرسیده می‌شد که چگونه نگرانی از آینده شان را برطرف می‌کنند، پاسخ آن‌ها اغلب این بود که به اندازه کافی تلاش و برنامه‌ریزی ندارند. در این رابطه یکی از شرکت‌کنندگان گفت:

«زندگی کردن در آینده باید طوری باشه که آدم مدام در حال تلاش و کوشش و برنامه‌ریزی باشه و طبعاً این سعی و تلاش باید در زمان حال انجام بشه. اما من به‌صورت منفعلانه در آینده بستر می‌برم. یعنی زیاد برای بهتر کردنش کاری انجام نمی‌دم.»

۶.۴. عدم تأثیرپذیری از فرهنگ انگلیسی در وقت‌شناسی

مدرسان و زبان‌آموزان نسبت به وقت‌شناسی در فرهنگ انگلیسی زبانان آگاه بودند و آن را از عوامل پیشرفت آن‌ها می‌دیدند:

«همیشه در کتاب‌ها، فیلم‌ها و ... می‌بینیم که انگلیسی‌زبان‌ها به زمان خیلی اهمیت میدن. همیشه on time هستن. خب فرهنگشون از این نظر از ما بهتره. شاید یکی از دلایل پیشرفتشون هم همین باشه.»

اما تأثیرپذیری از وقت‌شناسی فرهنگ آن‌ها را در خود کم‌رنگ می‌دیده و دلیل آن را به نبودن شرایط لازم در جامعه نسبت می‌دادند: «سعی می‌کنم وقت‌شناسی اون‌ها رو تقلید کنم. اما سخته چون بقیه وقت شناس نیستن.» و آن را مایه از دست دادن انگیزه خود می‌دانستند: «در فرهنگ خارجی‌ها به موقع و وقت‌شناس بودن خیلی مهمه. حتی اونا دو تا اصطلاح on time و in time دارن. من هم سعی کردم این جنبه از فرهنگ اونا رو یاد بگیرم و بهش عمل کنم. اما خب همیشه موفق نیستم. مخصوصاً وقتی می‌بینم وقتی با یکی قرار میذارم اون به موقع نمیاد انگیزم رواز دست میدم.»

یکی از شرکت‌کنندگان در این رابطه بیان کرد:

«آشنایی با وقت‌شناسی در فرهنگ انگلیسی‌زبان‌ها در من بی‌تأثیر نبوده و باعث شده نسبت به این موضوع حساس بشم. ولی خب چون در جامعه وقت‌شناسی زندگی نمی‌کنیم، تلاشم برای on time بودن همیشگی نیست و on و off همیشه.»

بعضی از مصاحبه‌شوندگان نیز به این نکته اذعان داشتند که وقت‌شناسی را «باید به مرور زمان فراگرفت و تمرین کرد» و اینکه «یک دفعه همیشه آدم خودشو در این مورد تغییر بده.»

۵. بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این مطالعه بررسی دیدگاه مدرسان زبان انگلیسی و زبان‌آموزان بود در مورد اهمیت و توجهی که به زمان در امور آموزشی و فرهنگ روزمره ما داده می‌شود. نتایج به‌طور کلی نشان داد که مدرسان و زبان‌آموزان از نحوه مدیریت زمان در این سطوح ناراضی‌اند و خود نیز با وجود آشنایی کامل با اهمیت زمان در فرهنگ انگلیسی‌زبانان، وقت‌شناس نیستند و زمان خود را به‌درستی مدیریت نمی‌کنند. در این قسمت به بسط و تفسیر یافته‌ها می‌پردازیم.

کلاس‌های زبان انگلیسی به دلیل ویژگی‌های خاصی که دارند حائز شرایطی متفاوت با سایر کلاس‌ها می‌باشند. نمونه‌هایی از این ویژگی‌ها عبارتند از: بحث در مورد موضوعات مختلف، انجام دادن کارهای گروهی، و داشتن محیطی دوستانه و صمیمی (نک: پیش‌قدم ۲۰۱۱؛

پیش‌قدم، ذبیحی و شایسته، ۲۰۱۵). میزان فردیت^۳ در این کلاس‌ها بالاست و زبان‌آموزان به دنبال عرضه نظرات و عقاید خود می‌باشند. بی‌شک، این ویژگی‌ها مزایای بسیاری در بردارند و می‌توانند موجب افزایش خلاقیت، هوش هیجانی، تمایل به گفتگو، مهارت‌های اجتماعی و مقابله با خجالت و ترس از صحبت کردن در زبان‌آموزان شوند. در عین حال، باید توجه داشت که اگر مدیریت صحیحی در کلاس صورت نگیرد، این ویژگی‌ها می‌توانند موجب هدر رفتن زمان شوند.

یکی دیگر از ویژگی‌هایی که مختص کلاس‌های زبان انگلیسی است، مقایسه فرهنگ خودی با فرهنگ‌های دیگر به‌خصوص فرهنگ انگلیسی‌زبانان است. تحقیقات پیشین نشان داده است که متأسفانه این امر در اغلب موارد موجب استحاله فرهنگ زبان‌آموزان و حتی مدرسان می‌گردد (پیش‌قدم و صبوری، ۲۰۱۱ ب؛ پیش‌قدم و ناوری، ۲۰۰۹؛ رحیمی، ۲۰۱۱؛ شاه‌سوندی، قزسولی و کامیابی، ۲۰۱۰). به‌نظر می‌آید زبان‌آموزان و مدرسان فقط جنبه‌های منفی فرهنگ غربی را فراگرفته و تقلید می‌کنند؛ در حالی که نسبت به جنبه مثبت آن که توجه به زمان و وقت‌شناسی است تأثیرپذیری کمتری دارند؛ البته به گفته خود آن‌ها شرایط بیرونی انگیزه وقت‌شناسی را تا حدودی از آن‌ها می‌گیرد.

تناقضی که در یافته‌ها دیده می‌شود این است که مصاحبه‌شوندگان نسبت به تأخیر اساتید در قرارها ابراز نارضایتی می‌کردند اما وقتی در سناریوی فرضی قرار می‌گرفتند و از آن‌ها پرسیده می‌شد که تا چه اندازه استاد می‌تواند دیر کند، تا نیم ساعت یا چهل و پنج دقیقه را بیان می‌کردند. این نکته نشان‌دهنده این مسئله است که در جامعه ما بُعد فرهنگی بر بعد اخلاقی ارجحیت دارد. در واقع همه می‌دانند که از نظر اخلاقی استاد نباید زمان دانشجویان را هدر دهد، اما به دلیل آن که رتبه استاد بالاتر از دانشجویست و نظام ادب در فرهنگ ما از نوع سلسله‌مراتبی است (اسلامی‌راسخ، توکلی و عبدالرضاپور، ۲۰۱۰)، دانشجو تأخیر استاد را می‌پذیرد.

نکته جالب توجه این بود که شرکت‌کنندگان با واژه «وقت» بیشتر مانوس بودند تا واژه «زمان» و در حین مصاحبه از واژه «وقت» بیشتر استفاده می‌کردند. این نکته می‌تواند به دلیل

1. Subjectivity

رسمی تر بودن واژه «زمان» و در نتیجه پایین تر بودن میزان حس هیجانی^۴ (پیش قدم، طباطبایی و ناوری، ۱۳۹۲) م صاحبه شوندگان به آن با شد. این مسئله همچنین می تواند متذکر این نکته شود که در مصاحبه‌هایی که در پژوهش‌ها صورت می گیرد، کلماتی به کار رود که میزان حس هیجانی آن‌ها برای شرکت کنندگان بالاتر است.

همان طور که یافته‌ها مشخص کردند، ریشه بی توجهی یا کم توجهی به زمان فرهنگ است. اگرچه در فرهنگ دینی و همچنین ادبیات ما توصیه بسیار به مگتنم شمردن وقت و هدر ندادن آن شده است، متأسفانه در فرهنگ روزمره آن طور که باید و شاید این توصیه رعایت نمی شود. بنابراین اگر بخواهیم مشکلات ناشی از عدم توجه به زمان را حل کنیم، می بایست فرهنگ وقت شناسی را در جامعه گسترش دهیم. این امر با نظارت بر رعایت زمان در کارها می تواند آغاز شود، زیرا همان طور که مصاحبه‌شوندگان اذعان داشتند، در اموری که نظارت بر آن‌ها وجود دارد زمان رعایت می شود. نظارت و تشوق و تنبیه در ابتدا انگیزه بیرونی ایجاد می کند و به تدریج موجب ایجاد عادت‌واره و فرهنگ‌سازی می گردد. راهکار دیگر مربوط به حوزه آموزش زبان می شود. وقت شناسی که در فرهنگ انگلیسی‌زبانان وجود دارد می تواند الهام بخش و تأثیرگذار باشد. بدین ترتیب، این جنبه از فرهنگ انگلیسی‌زبانان (برخلاف جنبه‌های منفی آن) می بایست در کلاس‌های زبان و مطالب درسی پررنگ گردد. نکته قابل توجه دیگر آن است که میل افراد به سمت آینده که در نتایج مصاحبه‌ها آشکار بود، ضرورت انجام مطالعات در زمینه آینده‌پژوهی و سوق دادن هدفمند افراد به سمت آینده را ایجاد می کند.

موضوع زمان در حوزه آموزش زبان اهمیت و کاربردهای بسیاری دارد. با توجه به اینکه یادگیری زبان امری ضروری در دنیای امروز است، هرچه این فرآیند سریع تر صورت گیرد، به نفع زبان آموز است. در برخی از موارد، مانند آزمون‌های آیلتس و تافل، زبان آموزان در تنگنای زمان برای به دست آوردن نمره لازم قرار دارند که این مسئله اهمیت هوش زمانی را پررنگ می کند. در فرآیند آموختن ساختار زبان نیز شاید بتوان گفت زبان آموزی که حساسیت بیشتری نسبت به زمان دارد، صیغه‌های افعال را بهتر می تواند فراگیرد که این فرضیه جای تحقیق و

1. Emotioncy

بررسی دارد. مفهوم کرونوتوپ نیز که پیش‌تر به آن اشاره شد، نقش بارزی در یادگیری ساختار زمانی زبان ایفا می‌کند.

پژوهش‌های بیشتری در راستای این مطالعه می‌تواند صورت گیرد. اولاً، دیدگاه دانشجویان و مدرسان سایر رشته‌ها در مورد مفهوم زمان و میزان اهمیتی که در نظام آموزشی، فرهنگ و جامعه ما به آن داده می‌شود، می‌تواند بررسی شود. ثانیاً، دیدگاه دانشجویان رشته‌های مختلف نسبت به مفهوم زمان می‌تواند با هم مقایسه شود. برای مثال، دانشجویان رشته فیزیک ممکن است دیدگاه متفاوتی نسبت به دانشجویان علوم انسانی در مورد مفهوم زمان داشته باشند. علاوه بر بافت آموزشی، دیدگاه سایر اقشار و مشاغل در مورد مسئله زمان و نحوه مدیریت آن جای تحقیق و بررسی دارد. پژوهش حاضر در سطح شهر مشهد به انجام رسیده است. بنابراین، انجام آن در سایر شهرهای ایران ممکن است نتایج متفاوتی را نشان دهد. همچنین، انجام این نوع پژوهش در سطح روستاها و مقایسه نتایج آن با دیدگاه مردم نسبت به زمان در شهرها می‌تواند اطلاعات جالبی در مورد این موضوع فراهم آورد.

کتابنامه

- پیش‌قدم، ر.، طباطبایی، م.، و ناوری، ص. (۱۳۹۲). *تحلیل انتقادی و کاربردی نظریه‌های فراگیری زبان اول: از پیدایش تا تکوین*. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- Ali, A. J., & Amirshahi, M. (2002). The Iranian manager: work values and orientation. *Journal of Business Ethic*, 40, 133-143.
- Alves, B. (1997). Information about rubber time. Retrieved from [http:// www2.hmc.edu/~alves /rubber.html](http://www2.hmc.edu/~alves/rubber.html).
- Bemong, N. (2006). Chronotopes in the 19th-century Belgian historical novel: The case of Joseph Ronsse's Arnold Van Schoorisse. *Dutch Crossing*, 30(2), 276-294.
- Billing, et al. (2004). Temporal orientation and its relationships with organizationally valued outcomes: Results from a 14 country investigation. Retrieved from www.iaccp.org/sites/default/files/spetses_pdf/23_Billing.pdf
- Bourdieu, P. (1984). *Distinction: A social critique of the judgement of taste*. London: Routledge.
- Brislin, R. W., & Kim, E. S. (2003). Cultural diversity in people's understandings and uses of time. *Applied Psychology: An International Review*, 52, 363-382.
- Brown, R. & Renshaw, P. (2006). Positioning students as actors and authors: A chronotopic analysis of collaborative learning activities' in mind. *Culture and Activity*, 13(3), 247-259.

- Carrasco, C., & Dominguez, M. (2014). Measured time, perceived time: A gender bias. *Time & Society*, 0(0), 1-22.
- Chastain, K. (1988). *Developing second language skills: Theory and practice* (3rded.). USA: Harcourt Brace Jovanovich.
- Clemens, J.K., & Dalrymple, S. (2005). *Time mastery: How temporal intelligence will make you a stronger, more effective leader*. New York: Amacom Books.
- Crossley, S. (2007). Achronotopic approach to genre Analysis: An exploratory study. *English for Specific Purposes*, 26, 4-24.
- Dornyei, Z. (2007). *Research methods in applied linguistics*. Oxford: Oxford University Press.
- Douglas, M. (1973). *Natural symbols: Explorations in cosmology*. London: Barrie and Jenkins.
- Doyle, A. & Francis-Smythe, J. A. (2009). Temporal intelligence and time management. Paper presented in 14th Congress of the European Association of Work and Organizational Psychology, Spain.
- Epstein, J. (1977). *Along the gringo trail*. Berkeley, CA: And/Or Press.
- Eslami-Rasekh, A., Tavakoli, M. & Abdolrezapour, P. (2010). Certainty and conventional indirectness in Persian and American request forms. *The Social Sciences*, 5(4), 332-339.
- Fairclough, N. (1989). *Language and power*. London: Longman.
- Francis-Smythe, J. & Robertson, I. (1999). Time-related individual differences. *Time & Society*, 8(2), 273-292.
- Greenstein, T. (1996). Gender ideology and perceptions of the fairness of the division of household labor: Effects on marital quality. *Social Forces* 74(3), 1029-1042.
- Hendrickson, J. (1978). Error correction in foreign language teaching: Recent theory, research, and practice. *The Modern Language Journal*, 62, 387-398.
- Hofstede, G. (1980). *Culture's Consequences: International Differences in Work-Related Values*. Beverly Hills, CA: Sage.
- Hopkins, J. C. (2006, July 12). "Indian time" irritates committee members. *The Gallup Independent* Retrieved from <http://gallupindependent.com/2006/july/071206ndntm.html>
- Javidan, M., & Dastmalchian, A. (2003). Culture and leadership in Iran: The land of individual achievers, strong family ties and powerful elite. *Academy of Management Executive*, 17(4), 127-142.
- Languages and its application. *Ferdowsi Review*, 1(1), 49-76.
- Levine, R. (1997). *A geography of time: The temporal misadventures of a social psychologist*. New York, NY: Basic Books.
- McGrath, J.E., & Tschan, F. (2004). *Temporal matters in social psychology: examining the role of time in the lives of groups and individuals*. Washington, DC: American Psychological Association.
- Nieto, S. (2010). *Language, culture and teaching*. (2nded.). London: Routledge.

- Pedersen, A. R. (2009). Moving away from chronological time: Introducing the shadows of time and chronotopes as new understandings of 'Narrative Time'. *Organization*, 16(3), 389-406.
- Pishghadam, R. & Navari, S. (2009). *Cultural literacy in language learning: Enrichment orderichment*. Paper presented in International Conference on Languages, Malaysia.
- Pishghadam, R. (2011). Introducing applied ELT as a new approach in second/foreign language studies. *Iranian EFL Journal*, 7(2), 8-14.
- Pishghadam, R., & Saboori, F. (2011b). A qualitative analysis of ELT in the language institutes of Iran in the light of the theory of 'World Englishes'. *Journal of Language Teaching and Research*, 2, 569-579.
- Pishghadam, R., & Saboori, S. (2011a). A chronotopic analysis of cover letters in Persian and English. *Cross-cultural Communication*, 7(3), 116-125.
- Pishghadam, R., Zabihi, R., & Shayesteh, Sh. (2015). *Applied ELT: A movement beyond applied linguistics*. Mashhad, Iran: KhateSefid.
- Rahimi, F. (2011). The thorny issue of teacher development in Iran: An utter fiasco or an alternative function? *World Applied Sciences Journal*, 13(6), 1380-1386.
- Schryer, C.F. (1999). Genre time/tpace: Chronotopicstrategies in the experimentalarticle. *Journal of Advanced Composition*, 19(1), 81- 89.
- Schryer, C.F. (2002). Genre and power: A chronotopic analysis. In R. Coe, L. Lingard, & T. Teslenko (Eds.), *The rhetoric and ideology of genre* (pp. 73-102). Cresskill, NJ: Hampton Press.
- Scollon, R., & Scollon, S. (2001). *Intercultural communication* (2nd ed.). Maiden, MA: Blackwell Publishers.
- Shahsavandi, Sh., Ghonsooly, B. & Kamyabi, A. (2010). Designing and
- Triandis, H.C. (1998). Vertical and horizontal individualism and collectivism: Theory and research implications for international comparative management. *Advances in International Comparative Management*, 12, 7-35.
- Validating home culture attachment questionnaire for students of foreign
- White, L.T., Valk, R., & Dialmy, A. (2011). What is the meaning of "On time"? The sociocultural nature of punctuality. *Journal of Cross-cultural Psychology*, 42(3), 482-493.

پیوست

۱. به نظر شما در نظام آموزشی ما چه قدر به زمان اهمیت داده می شود ؟
۲. به نظر شما در کلاس های زبان انگلیسی چه قدر به زمان اهمیت داده می شود ؟
۳. به نظر شما در فرهنگ روزمره ما چه قدر به زمان اهمیت داده می شود ؟
۴. بیشتر در گذشته، حال یا آینده زندگی می کنید؟

۵. آیا آشنایی با وقت شناسی در فرهنگ انگلیسی زبانان بر میزان وقت شناسی شما تأثیر گذاشته است؟
۶. استادی با دانشجویی در دفترش ساعت ۱۰ صبح قرار ملاقات دارد.
۷. به نظر شما: دانشجو چه زمانی برسد، دیر محسوب می‌شود؟
۸. استاد چه زمانی به دفترش برسد، دیر محسوب می‌شود؟
۹. دو همکار با هم قرار ملاقات دارند.
۱۰. به نظر شما هر کدام تا چند دقیقه دیر برسند، دیر محسوب می‌شود؟
۱۱. دوست نزدیکتان را به نهار دعوت کرده‌اید. قرارتان ساعت ۱ بعدازظهر است.
۱۲. به نظر شما دوستان چه زمانی برسد، دیر محسوب می‌شود؟